

# تأملی بر حقوق بیمار

مقدمه:

زندگی اجتماعی جز در سایه نظم میسر نیست. انسان خردمند نیز از دیرباز دریافته است که هنگامی به آرامش و امنیت مطلوب دست می‌یابد که حقوق و تکالیف او در ارتباط با دیگران در چارچوب قوانین سامان یابد و نظم اجتماع تأمین گردد.

بی‌گمان پیشرفت‌های روزافزون علوم مادّی، توسعه ارتباطات و گسترش مرزهای دانش بشری زندگی انسان را دگرگون ساخته است، آن‌گونه که دیگر بسیاری از قواعد اخلاقی و حقوقی در حل روابط و رویدادهای اجتماعی ناتوان است، از این رو ضرورت حفظ نظم، جلوگیری از هرج و مرج و استقرار عدالت ایجاب می‌کند که این تحولات و رویدادها مورد ملاحظه صاحب‌نظران علوم اجتماعی به ویژه حقوقدانان قرار گیرد تا هنجارها و قواعد عادلانه و ملایم با آن شناسایی شده و حقوق و تکالیف افراد و در پرتو آن روابط اجتماعی آنان به طور شایسته سامان پذیرد.

دانش و تکنولوژی پزشکی و مسایل بهداشتی و مراقبتی یکی از مهم‌ترین محورهایی است که در دهه‌های اخیر گسترش زیاد و پیشرفتی شگرف یافته است و مباحث بدیعی را دامن زده است که بی‌شک نیازمند توجه مضاعف اندیشمندان و محققان نسبت به مطالعه و بررسی آنها و تلاش در تطبیق قواعد و اصول حقوقی بر آنها و ارتقای سطح آگاهی افراد جامعه به ویژه بیماران و دست‌اندرکاران امر مراقبت و درمان در این خصوص است.

ملاحظات اخلاقی و اجتماعی و عنایت خاص به حقوق اساسی انسان و تأکید بر اجرای عدالت و تلاش دولت‌ها بر تعمیم و توسعه بهداشت همگانی از جمله عواملی است که در سالیان اخیر ضرورت اهتمام به حقوق بیماران و تکالیف متقابل پزشکان و پیراپزشکان را دوچندان نموده است.

با این همه در کشور ما به رغم اعتلای فرهنگ و غنای فقه و حقوق اسلامی آن‌گونه که سزاوار است به این مهم، عنایت نشده است و تلاش‌های انجام شده محدودتر از آن است که حتی جوابگوی پرسش‌های پایه‌ای باشد.

چندی پیش کتابی با عنوان حقوق بیمار نوشته سرکار خانم مریم آتش‌خانه، توسط مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان فارس منتشر گردیده است، که پس از مطالعه محتویات آن و در جهت بالنده شدن این مباحث، بر آن شدم تا ضمن تقدیر از اهتمام نویسنده به این موضوع مهم به معرفی کتاب و بیان نقاط ضعف و قوت کتاب همت گمارم.

مروری بر کتاب

کتاب حقوق بیمار در ۲۵۲ صفحه و متشکل از یک پیشگفتار و پنج بخش است، نویسنده در پیشگفتار به تبیین مفهوم حقوق و تعریف حقوق بیمار پرداخته است، هرچند به صورت علمی چارچوب بحث را روشن ننموده و تعریف مناسبی از حقوق بیمار ارائه نکرده است.<sup>۱</sup> به هر روی مقدمه باید علاوه بر معرفی دقیق موضوع بحث، حاوی پرسش‌ها

○ محمدمهدی مقدادی  
کارشناس پژوهشی حقوق دانشگاه مفید



○ حقوق بیمار  
○ مریم آتش‌خانه  
○ مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان  
فارس  
○ چاپ اول، ۱۳۸۰، ۳۰۰۰ نسخه



و فرضیه‌های مورد توجه نویسنده و اهداف و ساختار بحث باشد.

پس از پیشگفتار، بخش‌های پنجگانه کتاب با عناوین ذیل مرتب گشته است:

۱. قوانین و حقوق ۲. حقوق و وظایف ۳. بیمار و مراقبت ۴. قوانین و حقوق بیمار ۵. بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها. بخش نخست کتاب (تا صفحه ۳۶) به ارایه مباحث مقدماتی و کلی دانش حقوق، همچون: تعریف حقوق، انواع قوانین، و معرفی منابع حقوق اختصاص یافته است.

بخش دوم کتاب (از صفحه ۳۷ تا صفحه ۷۰) با عنوان «حقوق و وظایف» به طرح برخی مطالب کلی دیگر از جمله نقش حقوق و وظایف، رابطه حقوق و مسئولیت، و حقوق اداری، قانونی و اخلاقی و حق برخورداری از مراقبت اختصاص داده شده است. آنگاه در بخش سوم تحت عنوان «بیمار و مراقبت» به بیان مفهوم واژگانی چون بیمار، بیماری، بیمارستان، مراقبت، صلاحیت بیمار، و تبیین استانداردها و اصول اخلاقی در مراقبت از بیمار پرداخته شده است.

از صفحه ۱۲۳ بخش چهارم کتاب با عنوان «قوانین و حقوق بیمار» آغاز می‌شود. در این بخش تلاش شده تا با توجه به تحولات و گسترش و اشتیاق روزافزون امر بهداشت و درمان و در راستای ارتقا بخشیدن به مراقبت و درمان بیماران، توجه سیستم قانونگذاری به قانونی کردن و مدون ساختن حقوق بیماران معطوف شود و بر این امر تأکید شده که «مطرح شدن حقوق جدید بیماران در سیستم قانونی کشورها امری است اجتناب‌ناپذیر». همچنین در این بخش به چگونگی طرح حقوق بیماران در قانون اساسی و قانون کیفری و قانون مدنی و قانون اداری اشاره شده و چگونگی دادرسی و احقاق حق از بیماران نیز مورد امعان نظر بوده و در نهایت نقش و تأثیر سازمان‌ها و نهادهای مختلف در عنایت به امور بیماران و تداوم پیشرفت آن مورد ملاحظه قرار گرفته است.

از صفحه ۱۵۷ بخش پایانی کتاب آغاز می‌شود که در آن به گردآوری و ارایه پاره‌ای مصوبات، بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها در امر بهداشت، مراقبت و درمان اهتمام شده است. در این بخش تلاش نویسنده در ترجمه و انعکاس این متون و ارایه اطلاعات و انتقال تجربیات سیستم‌های حقوقی مترقی و پیشرو در زمینه بهداشت و حقوق بیماران ستودنی است، گرچه شایسته بود که در این بخش به طور منظم و هدفمندتری از متون مزبور استفاده شود.

در مجموع باید اعتراف نمود که نویسنده با سعی بسیار و با استفاده از متون خارجی و طرح مباحث علمی و ارزنده به توفیقی نسبی در مهم جلوه دادن «حقوق بیمار» و روشن ساختن زوایایی از آن دست یافته است.

با این حال اشکالات و ایرادات وارد بر کتاب نیز چندان کم نیست،

از ایرادات اساسی کتاب حقوق بیمار، پیچیدگی و روان نبودن عبارات آن و استفاده افراطی از ترجمه است



ملاحظات اخلاقی و اجتماعی و عنایت خاص به حقوق اساسی انسان و تأکید بر اجرای عدالت و تلاش دولت‌ها بر تعمیم و توسعه بهداشت همگانی از جمله عواملی است که در سالیان اخیر ضرورت اهتمام به حقوق بیماران و تکالیف متقابل پزشکان و پیراپزشکان را دوچندان نموده است

در مجموع باید اعتراف نمود که نویسنده با سعی بسیار و با استفاده از متون خارجی و طرح مباحث علمی و ارزنده به توفیقی نسبی در مهم جلوه دادن «حقوق بیمار» و روشن ساختن زوایایی از آن دست یافته است

از این رو در ادامه، طی دو قسمت به ایرادات ماهوی و اشکالات شکلی کتاب پرداخته می‌شود:

#### الف - اشکالات ماهوی

##### ۱. پرداختن به بحث‌های زاید و غیرضروری

با اندکی دقت در عناوین کلی کتاب، مشخص می‌گردد که ارتباطی منطقی میان آنها وجود ندارد. مروری بر محتویات کتاب نیز بر این امر مهر تأیید می‌نهد که مباحث فاقد پیوستگی مطلوب بوده و سیری منطقی را طی نمی‌کنند و این بدان سبب است که نویسنده محترم به ارایه مباحثی کلی و حاشیه‌ای مبادرت ورزیده است.

مؤلف محترم از صفحه سوم کتاب با عنوان «قانون و حقوق متقابل مردم» به بیان مباحثی مشروح و مبسوط اقدام کرده است، در حالی که طرح چنین مباحثی لازم به نظر نمی‌رسد؛ توضیح در مورد قانون مدنی (صفحات ۴ تا ۱۰) و قانون عمومی (صفحات ۱۰ تا ۱۵) و قانون اساسی (صفحات ۱۵ تا ۱۶) و قوانین عمومی - کیفری (صفحات ۱۷ تا ۱۸) و قوانین اختصاصی (صفحه ۱۸) و... همچنین پرداختن به تعریف حقوق و سرچشمه حقوق (صفحه ۳۲ تا ۳۳) چندان متوقع نیست و در مجموع این فکر را به ذهن القا می‌کند که نویسنده درصدد بیان مباحث «مقدمه علم حقوق» است، آن هم به صورت پراکنده و نامنظم.

بخش دوم کتاب نیز به طور عمده مطالبی زاید و کم ارتباط با موضوع بحث را در بردارد؛ پرداختن به دو اصطلاح «حقوق مثبت» و «حقوق منفی» (صفحات ۳۹ و ۴۴ تا ۴۹) و عناوینی چون: نقش حقوق و وظایف نسبت به یکدیگر (صفحه ۴۰) و حقوق و مسئولیت (صفحه ۴۱ تا ۴۳) و حقوق اداری، قانونی و اخلاقی (صفحه ۶۲ تا ۶۸) و حقوق و جایگاه اصول اخلاقی (صفحه ۶۸ تا ۶۹) اموری می‌باشند که بی‌شک محل بحث و بررسی آن‌ها در حوزه کلیات و فلسفه حقوق است.

نمونه‌های دیگر از مطالب غیرضروری کتاب در صفحات ۱۰۹ تا ۱۱۲ که مرتبط به مباحث فلسفی است و نیز در بخش پایانی کتاب؛ در تعریف بیانیه (صفحه ۱۵۹) و آوردن متن انگلیسی بیانیه‌ی ژنو و ذکر کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر (صفحات ۱۹۱ تا ۱۹۸) مشاهده می‌گردد.

##### ۲. کم مایگی در ارایه مباحث علمی و حقوقی

بی‌گمان بحث و گفتگو درباره حقوق بیمار و پرداختن به حقوق بیماران و وظایف متقابل دست‌اندرکاران امر مراقبت و درمان، صرف‌نظر از اطلاعات پزشکی، نیازمند معلومات تخصصی در مورد دانش حقوق و اصول علمی آن و تسلط بر منابع و ادبیات خاص آن است، تا نویسنده به کمک اندوخته‌های علمی و تخصص خویش بتواند به طور شایسته از عهده مباحث پیچیده و نوین حقوقی در امر بهداشت و درمان برآید و از ابتلا به مباحث ابتدایی و حاشیه‌ای برحذر ماند؛ لیکن مطالب کتاب به وضوح حاکی از این است که مؤلف محترم به‌رغم تلاش جدی و داشتن مهارت و اطلاعات مفید در مسایل پزشکی، فاقد تخصص حقوقی است، و این امر موجب شده تا اثر ایشان فاقد علمیت و ثمردهی مورد انتظار باشد و از ادبیات حقوقی مهجور ماند، تا آنجا که مطالعه پاره‌ای از عبارات



استعمال واژه‌های چون «قانون مدنی کیفری» و معرفی قانون مدنی برای تعیین مجازات، حکایت از عدم شناخت نویسنده از اصطلاحات و تقسیمات پذیرفته شده و متداول دانش حقوق دارد



نویسنده

یک مورد از «قوانین نوین حقوق بیمار»

را جهت فراهم آوردن خواسته های بیمار

و حفظ حقوق وی،

داشتن وکیل مدافع همیشگی

جهت تصمیم گیری در مواقع ضروری

به جای بیمار،

بیان نموده است

که گذشته از ابهام و اجمال آن

به هیچ وجه

با فقه و حقوق ما هماهنگی ندارد



قانون عمومی، از طرف دیگر معلوم نیست که منظور نویسنده از آوردن «مسامحه» در کنار قرارداد و معاملات چه بوده است.

در همین صفحه نیز با تیتری برجسته عنوان شده است: «قانون مدنی از قانون عمومی برگرفته شده و نه تنها اصول که فرم خود را نیز با قانون عمومی حفظ کرده است. قانون کیفری به خودی خود تا حدودی رشد متفاوت تری داشته است». این جملات صرف نظر از این که غیرعلمی و نامفهوم اند، با آنچه که نویسنده در صفحه ۵ بیان داشته است که «قانون مدنی از لحاظ تاریخی بر نظام مقدم تر... بوده است»، مغایر می باشد.

در صفحه ۲۲ هم عبارت عجیبی به کار رفته است؛ نویسنده در ذیل عنوان قوانین کیفری می گوید: «به این ترتیب در قانون مدنی سر فصل هایی برای تعیین مجازات این کارها، در نظر گرفته شده است... قانون مدنی کیفری در رابطه با قراردادها و کارهای غیرقانونی، به طور کامل موارد را شرح می دهد». بی تردید استعمال واژه ای چون «قانون مدنی کیفری» و معرفی قانون مدنی برای تعیین مجازات، حکایت از عدم شناخت نویسنده از اصطلاحات و تقسیمات پذیرفته شده و متداول دانش حقوق دارد.

در صفحه ۲۶ نیز نویسنده اظهار می دارد که در رویه قضایی ایران هیچ دادگاهی نمی تواند برای خود یا دیگر محاکم، قاعده حقوقی ایجاد نماید، در حالی که رأی وحدت رویه قضایی که از سوی هیأت عمومی دیوان عالی کشور صادر می گردد،<sup>۲</sup> نمونه ای مسلم از ایجاد قاعده حقوقی برای محاکم دیگر در کشور ما است.

باری، این گونه موارد در کتاب بسیار است و ذکر تمامی آنها در این مجال نمی گنجد، لیکن پاره ای از آنها چنان برجسته است که نمی توان از اشاره ای مختصر بدانها صرف نظر نمود؛ از جمله در صفحه ۳۵ (در تعریف نادرست از حقوق کیفری) و صفحه ۳۷ (تعریف نامناسب از حقوق و بی توجهی به تعریف های ارایه شده از سوی حقوقدانان)، و صفحه ۴۴ (به کارگیری اصطلاح غیرمتداول «حقوق منفی»)، و صفحه ۶۴ تا ۶۵

ایشان، هر آشنا با ادبیات حقوقی را به حیرت و تأسف وا می دارد. به عنوان مثال در صفحه ۹ کتاب آمده است: «قانون رم یا مدنی، برای تشریح جنایات از همان قوانین تدوین شده ای بهره می گرفت که بر روابط سیاسی و بازرگانی حکم فرما بود...» همانگونه که ملاحظه می شود، نویسنده در یک جمله، قانون مدنی، مقررات جزایی و روابط سیاسی و بازرگانی را برهم آمیخته است.

و در صفحه ۱۳ کتاب نوشته شده است: «قراردادها و اساسنامه ها مبدأ قانونگذاری را به وجود آوردند. زیرا، این اساسنامه ها در برگینده اصول حقوقی ای بودند که در خدمت بیشتر مردم قرار داشت و مبنای اولیه قضاوت به شمار می رفت. این مبنا، سرآغاز استفاده نوین از قانون شد...». در حالی که صاحب نظران بر این باورند که به لحاظ امتیاز دولت بر سایر اشخاص و گروه های اجتماعی، نمی توان توافقات و اساسنامه گروه ها را به عنوان منابع حقوق و مبدأ قانونگذاری به رسمیت شناخت.<sup>۳</sup> همچنین در پاره ای از مباحث بخش اول، ملاحظه می شود که نظام حقوقی رومی ژرمنی به نظام حقوقی کامن لا آمیخته شده است و از سوی دیگر اصطلاحات نادرستی نظیر «قانون عمومی» در صفحه ۱۰ (که به نظر ترجمه ناشیانه اصطلاح "Common law" است) و «قانون احکام» در صفحه ۱۸، و «قانون دفتری (وکالت)» در صفحه ۲۱ و «قوانین عرف» در صفحه ۲۴، به کار رفته است.

متأسفانه باید اذعان نمود که این ایراد پایه ای (ناتوانی در بحث های حقوقی) به طور فراگیر در جای جای کتاب محسوس است. در ادامه نیز به برخی دیگر از موارد آن اشاره می شود:

در صفحه ۱۸ نگاهشده شده است: «در برابر قانون عمومی» قوانین اختصاصی وجود دارد، بخش زیادی از این قوانین از قانون عمومی سرچشمه می گیرند. این قوانین عموماً درباره نگاهداشت حقوق، وظایف و دیگر روابط حقوقی افراد می باشد و روابط میان طرف های قرارداد، مسامحه و معاملات را در برمی گیرد...» این در حالی است که نه مقصود از «قوانین اختصاصی» روشن است و نه مراد از سرچشمه گرفتن آنها از



نویسنده تلاش فراوانی در استفاده از منابع متنوع به ویژه منابع خارجی به عمل آورده، لیکن به سبب ارجاع ندادن به منابع که شیوه‌ی رایج در نوشته‌های علمی و تحقیقی است، اشکالی مهم را متوجه خود ساخته است



توصیه می‌شود که نویسنده محترم ضمن مشاوره و همکاری با صاحب نظران، تحقیقات سامان یافته و منابع موجود در زمینه موضوع کتاب را شناسایی و مورد استفاده قرار دهد

و اصطلاح «خدمات بخش اتفاقات» در صفحه ۸۱ جای تأمل دارد. نویسنده در صفحه ۱۰۸ عبارتی نامفهوم را بیان داشته است که ظاهراً ره‌آورد تکیه بیش از حد لزوم بر ترجمه متون خارجی است. عبارت مزبور چنین است: «در بخش دولتی و خصوصی، خدمات‌رسانی، اقتصاد، اهمیت قدرت و تحصیل وظایف در نظام‌های آرایه‌دهنده خدمات، جای خود را به حقوق مشتری و مسایل انتخاب به وسیله موکل داده است». همچنین در صفحات ۵۰، ۵۵، ۵۷، ۶۵، ۶۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۹۱، ۱۰۸، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۶۰، ۱۶۱ و ۱۷۱ جملات گنگ و پیچیده جای عبارات علمی متین و باطراوت را گرفته است.

(بحث ناقص از شیوه اجرای حقوق)، و صفحات ۹۴ تا ۱۰۰ (به هم آمیختن بحث اهلیت یا شایستگی اجرای حقوق یا بحث صلاحیت یا قدرت و توانایی تصمیم‌گیری بیماران)، و صفحه ۱۲۸ (تعریف غلط از قانون اساسی)، و صفحه ۱۳۲ (تعریف غیرعلمی جرم، قتل و انواع قتل)، و صفحه ۱۳۳ (استعمال نابجای قانونی مدنی به جای قانون مسئولیت مدنی) و ...

۳. ابهام‌گویی و پیچیدگی بسیاری از عبارات و تکیه بیش از حد بر ترجمه متون انگلیسی:

یکی دیگر از ایرادات اساسی کتاب حقوق بیمار، پیچیدگی و روان نبودن عبارات آن و استفاده افراطی از ترجمه است، آن گونه که در پاره‌ای موارد خواننده به ناچار باید چندین بار عبارات را مرور کند تا به منظور نویسنده دست یابد. در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: عبارات صفحه ۴۹ بسیار نامفهوم است: «هرچند برخی مردم مدعی هستند که حقوق موجود حق مسلم آنها است، به دو دلیل این ادعای بزرگ را نمی‌توان پذیرفت: نخست این که، چون حقوق من وظایفی مستقیم و غیرمستقیم بر شما تحمیل می‌کند... و دوم این که، چون منابع و سخاوت بشری محدود می‌باشد، حقوق منفی ما که در حمایت قانون کیفری قرار دارد به حقوق مثبت ما مربوط می‌شود...!»

و در صفحه ۵۲ آمده است: «حق دانستن بر پایه‌ی ملاحظات همه‌جانبه‌تر انجام می‌گیرد...» و صفحه‌ی بعد از آن بدون هیچ زمینه‌ای، همانند شیوه مرسوم در متون حقوق کامل‌لا به پرونده راجوز و ویتاکر اشاره می‌کند و در پی آن ترجمه‌ای مبهم از سخنان یک قاضی استرالیایی بر پیچیدگی مطالب افزوده است.

در صفحه ۶۸ نیز عباراتی مبهم آمده است: «حقوق بشر زمانی رعایت می‌شود که شخص دارای حق آزادی و حق مورد توجه قرار گرفتن باشد، حقوق قانونی را با مراجعه به حقوق بشر می‌توان نقد و بررسی کرد...». همچنین به کار بردن عباراتی چون: «فراهم‌آوری رضایت بیمار» و «حق فرد بودن» و «داشتن پیش‌آگهی از بیماری» در صفحه ۷۳،

#### ۴. بی‌توجهی به حقوق داخلی و فقه اسلامی

اگر چه نویسنده به‌زعم خویش (استفاده بشر اروپایی از دانش همه تمدن‌ها و پیشرو بودن در زمینه ثبت حقوق بیماران) خط سیر قوانین اجتماعی بشر اروپایی را برگزیده است،<sup>۴</sup> لیکن جا داشت که به موازات این مباحث مطالعاتی نیز در مورد جایگاه انسانی بیمار و حقوق او در مقررات و فقه اسلامی داشته باشد و از سوی دیگر رویکرد قوانین و حقوق داخلی را در این خصوص نقد و بررسی کند. اما متأسفانه در این باره جز اشاراتی مبهم و گذرا به حقوق داخلی، اقدامی از سوی نویسنده صورت نگرفته است. مثلاً نویسنده در صفحه ۵۷ تحت عنوان «حق برخورداری از مراقبت و درمان» می‌توانست به بررسی این موضوع در مقررات کشورمان پرداخته به ویژه اصل ۲۹ قانون اساسی را مورد گفتگو قرار دهد.<sup>۵</sup>

یا در صفحه ۶۰ و ۶۱ که نویسنده یک مورد از «قوانین نوین حقوق بیمار» را جهت فراهم آوردن خواسته‌های بیمار و حفظ حقوق وی، داشتن وکیل مدافع همیشگی جهت تصمیم‌گیری در مواقع ضروری به جای بیمار، بیان نموده است که گذشته از ابهام و اجمال آن به هیچ وجه با فقه و حقوق ما هماهنگی ندارد.

همچنین مؤلف کتاب در بحث از صلاحیت و اهلیت بیمار و تشخیص میزان آن به حقوق داخلی عنایتی ننموده است و تنها حقوق خارجی را مورد امان نظر قرار

داده است.

نشانگر تلاش نویسنده و مورد استفاده پژوهشگران باشد.

### ۳. صفحه‌آرایی و تیتربندی نامناسب

صفحه‌آرایی و ساختار ظاهری یک کتاب به عنوان قالبی برای محتویات، نقش ویژه‌ای در مقبولیت و مطلوبیت آن دارد، ولی این امر در مورد کتاب «حقوق بیمار»، به شایستگی رعایت نشده است و صفحه به صفحه کتاب تیره‌هایی درشت و در چارچوبی ناهمگون و در غالب موارد نابجا و حتی اشتباه را در خود جای داده است. صفحات ۱۰، ۲۰، ۴۶، ۵۹، ۶۱، ۶۷، ۷۵، ۸۰، ۸۵، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۳۷ و ۱۴۹ از همین قبیل است.

### ۴. غلط‌های تایپی فراوان

وجود غلط‌های تایپی زیاد در کتاب حقوق بیمار غیرقابل اغماض است. به عنوان نمونه در صفحه ۴۱ به جای ستایش، نیایش و در صفحه ۵۳ به جای رضایت، رضات و در صفحه ۱۱۰ به جای کنترل (مراقبت)، کنترل و در صفحه ۱۴۰ به جای حوزه، حوضه طبع شده و در صفحه ۱۴۶ به جای ارجاع، ارجاء و در صفحه ۱۵۱ به جای محدودیت، محدودیت درج گردیده است. در صفحه ۱۲۹ نیز در نقل اصل ۲۹ قانون اساسی سه غلط مشاهده می‌شود.

به هر حال شاید چنین ایرادهایی متوجه شخص نویسنده نباشد، ولی امید است که در بازنگری و چاپ‌های آتی مورد توجه قرار گیرد، البته توقع اساسی، رفع اشکالات ماهوی و رعایت استانداردهای یک نوشته علمی از جمله پرورش موضوع و آماده ساختن ذهن خواننده با مقدمه‌ای حاوی سؤالات و فرضیات نویسنده و ساختار بحث و آرایه مباحث به طور مرتب و منسجم است، تا به شکلی سازمان یافته حقوق و امتیازات قانونی بیمار و وظایف مقابل پزشکان و دست‌اندرکاران مراقبت و درمان معین شده و با بیان راهکارها و نتیجه‌ای مطلوب، اهداف منظور شده به فعلیت برسد و در این راستا توصیه می‌شود که نویسنده محترم ضمن مشاوره و همکاری با صاحب‌نظران، تحقیقات سامان یافته و منابع موجود در زمینه موضوع کتاب را شناسایی و مورد استفاده قرار دهد، که از آن جمله است:

کتاب‌های اخلاق پزشکی و شناخت پزشک و وظایف او تألیف ابوتراب نفیسی، و کتاب حقوق پزشکی تألیف بلیندا بینت، ترجمه محمود عباسی، و کتاب بررسی تحلیلی مسئولیت جزایی پزشکان از نظر شرع مقدس، حقوق موضوعه ایران و حقوق بین‌الملل، نوشته دکتر حبیب‌الله پیروی و نیز مجموعه مقالات اخلاق پزشکی تهیه و تدوین مرکز مطالعات اخلاق پزشکی و سایر مقالاتی که در مجلاتی چون طب و تزکیه و پزشکی قانونی به چاپ رسیده است.

در پایان با یادآوری اهمیت موضوع کتاب و کوشش فراوان نویسنده محترم و توفیق در آرایه برخی مباحث ارزنده در «حقوق بیمار»، ضمن سپاس و ادای احترام، توفیقات روزافزون را برایشان آرزو می‌کنم.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. تعریف حقوق بیمار به «آنچه برای بیمار بایسته و سزاوار است» مبهم و غیرتخصصی است.
۲. ر.ک: ناصر، کاتوزیان، فلسفه حقوق (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ ش.) ج ۲، ص ۱۲.
۳. ر.ک: قانون وحدت رویه قضایی ایران مصوب سال ۱۳۲۸ شمسی.
۴. به نقل از صفحه ۷.
۵. به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیر آن، حقی است همگانی و دولت موظف به تأمین آن برای یک یک افراد کشور می‌باشد.

جالب این‌که نویسنده در صفحه ۱۲۱ برخلاف شیوه متداول خویش برای ممنوعیت قانونی افشای اسرار بیمار به ماده ۱۰۶ قانون تعزیرات ایران استناد کرده و مجازات آن را تا ۷۴ ضربه شلاق ذکر نموده است در حالی که هم این استناد نادرست است و هم مقدار مجازات آن، زیرا قانون حاکم در این خصوص ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد که مجازات پرده‌برداری از اسرار بیمار را سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی قرار داده است.

### ۵. غفلت از بسیاری مباحث مهم پیرامون حقوق بیمار

یکی دیگر از اشکالات ماهوی کتاب، عدم عنایت به پاره‌ای مباحث مهم در حقوق بیمار است که این خود می‌تواند ثمره‌ی ایرادات سابق، از جمله: پرداختن به بحث‌های زائد، فقدان تخصص حقوقی و بی‌توجهی به مقررات داخلی و فقه اسلامی باشد موارد ذیل از جمله مباحثی است که سزاوار ذکر در کتاب حقوق بیمار بود:

- بررسی قرارداد درمان و نوع تعهد پزشک و مراقبان نسبت به بیمار و آثار آن.
- مطالعه نقش رضایت بیمار و اعلام برائت پزشک در تعهد و مسئولیت پزشک و مراقبان.
- بحث از شرایط مطلوب بهداشتی و درمانی مطب درمانگاه بیمارستان و سایر اماکن درمانی.
- گفتگو در مورد بیماران روانی و بیماران اورژانسی و وظیفه کمک‌رسانی به مریضان در حال خطر و آثار امتناع از کمک، معالجه و درمان و نقش نهادها و سازمان‌های عمومی حافظ حقوق بیمار.
- مطالعه پیرامون قطع درمان، کمک به خودکشی و قتل از روی ترحم و...

### ب. اشکالات شکلی

کتاب حقوق بیمار علاوه بر ایرادات ماهوی به پاره‌ای اشکالات ساختاری و شکلی نیز مبتلا است، که در ذیل به مواردی از آن اشاره می‌شود:

#### ۱. نداشتن طرح مناسب و منسجم و پراکنده‌گی و تکرار مطالب

عدم رعایت سازمان مناسب در بیان مطالب کتاب، منسجم نبودن و پراکنده‌گویی و تکرار نابجای مطالب کتاب را سبب گردیده است. به عنوان نمونه نویسنده در پیشگفتار کتاب نگاشته است: «از اکتبر سال ۲۰۰۰ میلادی مفاد اعلامیه حقوق جهانی بشر به مجموعه قوانین انگلیس می‌پیوندد و قانون می‌شود» و در صفحه ۵۹ و صفحه ۶۸ دوباره همین مطلب غیرضروری را تکرار می‌کند و یا در جاهای مختلفی از کتاب (صفحات ۵۵ و ۱۰۷ و ۱۴۳) صحبت از مجرمانه ماندن اسرار بیمار می‌کند که در هیچ قسمت نیز بحث کافی و وافی به مقصود را به سرانجام نرسانیده است.

#### ۲. مستند نبودن و عدم ارجاع به منابع

نویسنده تلاش فراوانی در استفاده از منابع متنوع به ویژه منابع خارجی به عمل آورده، لیکن به سبب ارجاع ندادن به منابع که شیوه‌ی رایج در نوشته‌های علمی و تحقیقی است، اشکالی مهم را متوجه خود ساخته است. بدین سان کتاب حقوق بیمار جز در مواردی اندک، فاقد ارجاع و پانویس است (به عنوان نمونه می‌توان به صفحات ۸۶ و ۸۷ اشاره نمود) از این رو کمتر می‌تواند